

An analytical approach to Ila's preliminary abrogation with a history-oriented approach to views

Rizvan Jalalifar*

Susan Ale-Rasoul**

Mahdi Mehrizi***

Abstract:

Ayah Ila is one of the verses related to women's rights in the Qur'an, where various views have been expressed about the ruling. Considering the connection between the aforementioned ruling and women's sexual rights, the present research, by using the method of textual research and according to the time course of the writings, has investigated different viewpoints and it has come to the conclusion that: from ancient times until now, 3 views have been raised about Ila, which are: 1- Absolute acceptance of Ila; 2- Conditional acceptance of Ila; 3- Preliminary abrogation of Ila. Among the three mentioned points of view, the third point of view is preferable based on the following arguments: 1- The approach of Islam in reforming the false cultures of Jahili was a gradual approach, but the full implementation of these reforms was not possible during the limited period of the Prophethood; 2- According to Islam's efforts to revive and elevate the position of women, Ila's ruling contradicts the dignity of women and their sexual rights; 3- Islam has not commented on the oppressive factors of Ila, but has only reduced its time, which also indicates the lack of immortality of the aforementioned ruling.

Ila; preliminary abrogation; ignorance; woman's dignity; Women's rights. **Keywords:**

*PhD student of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Karaj, Iran, rezvan_ja@yahoo.com, 09126617038.

**Professor Department of Quranic Sciences and Islamic Mysticism, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (corresponding author), susan_alerasol@yahoo.com, 09123435377

*** Associate Professor Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran, Iran. toosi217@gmail.com.

Received date: 21/04/1402; Acceptance date: 09/06/1402.

نگرشی تحلیلی به نسخ تمهیدی ایلاء با نظر داشت نگاه تاریخ محور به نگره‌ها

رضوان جلالی فر*

سوسن آل رسول**

مهدی مهریزی***

چکیده

آیه ایلاء از جمله آیات مرتبط با حقوق زنان در قرآن است که درباره حکم موجود در آن، نگره‌های مختلفی بیان شده است. جستار کتابخانه‌ای حاضر با نظر داشت پیوند میان حکم مزبور با حق جنسی زنان، با بهره‌گیری از روش متن‌پژوهی و با تکیه بر دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان و با توجه به سیر زمانی نگاشته‌ها، به بررسی نگره‌های مختلف پرداخته و بدین رهیافت رسیده است که از دوران متقدم تا کنون، 3 نگره درباره ایلاء

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

rezvan_ja@yahoo.com

** استاد گروه علوم قرآنی و عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)،

09123435377، susan_alerasol@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

toosi217@gmail.com

تاریخ دریافت: 1402/04/21؛ تاریخ پذیرش: 1402/06/09

مطرح شده است که عبارت‌اند از: 1- پذیرش مطلق ایلاء؛ 2- پذیرش مشروط ایلاء؛ 3- نسخ تمهیدی ایلاء. از میان سه دیدگاه مزبور، دیدگاه سوم بر پایه ادله ذیل ارجحیت دارد: 1- رویکرد اسلام در اصلاح فرهنگ‌های نادرست جاهلی، رویکردی تدریجی بوده اما فعلیت‌بخشی تمام و کمال به این اصلاحات در دوران محدود رسالت میسر نبوده است؛ 2- با توجه به تلاش اسلام برای احیاء و ارتقای جایگاه زن، حکم ایلاء با کرامت زن و حق جنسی او تنافی دارد؛ 3- اسلام، به عوامل ظلم‌آمیز ایلاء تبصره‌ای نرده بلکه تنها زمان آن را تقلیل داده است، که این مسئله نیز از عدم جاودانگی حکم مزبور حکایت دارد.

کلیدواژگان: ایلاء؛ نسخ تمهیدی؛ جاهلیت؛ کرامت زن؛ حقوق زنان

1. مقدمه و بیان مسئله

بیان اندیشه‌ها و نظریه‌پردازی درباره‌گزاره‌ها و آموزه‌های قرآنی و واکاوی در مفاهیم و مدالیل آیات، دارای قدمتی طولانی و همزاد با نزول قرآن است اما این مسئله در عصر معاصر به‌خاطر مقتضیات گوناگون، رشدی دو چندان یافته و سبب بروز و ظهور نگره-هایی نوین شده است تا از یک‌سو شبهات و ابهامات را از دامن آیات بزدايد و از دیگر سو، قرآن را برای مخاطبان امروزی فهم‌پذیرتر سازد. از جمله آیاتی که با رویکرد مزبور، نیاز به بازکاوی تفسیریدارد آیه‌ای مسمی به ایلاء است که تعبیر آن در مصحف شریف چنین است: «الَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَأَوْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ* وَ إِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». «برای کسانی که سوگند یاد می‌کنند [که از آمیزش] با زنان خود دوری گزینند، [شرعاً] چهار ماه مهلت است، چنانچه [در این مدت به آنچه مقتضای زناشویی است] بازگشتند [گناهی بر آنان نیست]؛ زیرا خدا

بسیار آمرزنده و مهربان است* و اگر [برای پایان یافتن مشکلات] تصمیم به طلاق گرفتند، [در صورت رعایت شرایط مانعی ندارد] مسلماً خدا [به گفتار و کردارشان] شنوا و داناست.» (بقره/ 226-227).

از ظاهر آیه شریفه فهم می‌شود که خداوند با نظر داشت این بازه زمانی 4 ماهه، به نفع مرد قضاوت کرده و حق زن را کم‌اهمیت انگاشته است. از این رو، جستار حاضر در صدد است تا با بهره‌گیری از منابع و مآخذ مرتبط و تحلیل داده‌های موجود، دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان را درباره ایلاء بکاود و از گذرگاه این پژوهش، به این سوال پاسخ دهد که: قرآن‌پژوهان در سده‌های مختلف چه نظریاتی درباره ایلاء داشته‌اند و نسخ تمهیدی حکم

1-1. پیشینه پژوهش:

در رابطه با ایلاء، مطالب پراکنده‌ای - در قالب مقاله - در فضای مجازی و برخی پایگاه‌های اینترنتی مانند ویکی‌فقه و ... منتشر شده است اما بررسی پایگاه مقالات حاکی از آن است مقاله‌ای که در یکی از نشریه‌ها به چاپ رسیده و با نگاهی تحلیلی و شبهه-پژوهانه این مسئله پرداخته باشد، تا کنون به رشته تحریر درنیامده است. پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «بررسی تعلیق حقوق زنان با رویکردی به تنقیح مناط در احکام ایلاء» توسط عبدالهادی اخوت درباره ایلاء نگاشته شده که نوع نگاه آن به مسئله و زوایایی که بررسی نموده است، با نگاشته حاضر تفاوت دارد.

2. مفهوم «ایلاء» و شرایط تحقق آن

واژه ایلاء از ریشه «ل - ی» به معنای سوگند یاد کردن (طریحی، 1375: ج 463/1) و در اصطلاح شرعی، سوگندی است از سوی زوج برای ترک آمیزش - بیش از 4 ماهه - با همسر دائمی‌اش که با وی مباشرت کرده است (همان: 463؛ ایباری، 1405:ق:

ج 165/9). پیشینه ایلاء به دوران جاهلیت بازمی‌گردد که شوهر برای زیان رساندن به همسر خویش، بر ترک آمیزش با وی تا مدتی سوگند یاد می‌کرد (نک: طباطبائی، 1374: ج 338/2).

برای محقق شدن ایلاء، شروطی گفته‌اند که ذیلا از نظر می‌گذاریم:

شرط اول: یکی از شروط ایلاء که در واقع، اصل ایلاء را پی‌ریزی می‌کند و درباره آن اختلاف نظری میان علمای فریقین وجود ندارد، سوگند خوردن است. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است که تحقق ایلاء به این است که مرد به همسرش بگوید: به خدا سوگند! تو را به خشم می‌آورم و در حق تو بدی می‌کنم و سپس او را ترک کرده و با او آمیزش نکند (فیض کاشانی، 1406ق: ج 945/22). طبق دیدگاه فریقین، مؤلی باید به خدا سوگند یاد کند که با عیال خود نزدیکی و مباشرت نکند (بروجردی، 1366: ج 333/1) و اگر به غیر خدا قسم بخورد، ایلاء واقع نمی‌شود. بر اساس شرط مزبور اگر مردی بدون سوگند خوردن به خدا، از مباشرت با همسر خود خودداری کند حتی اگر 4 ماه یا بیشتر طول بکشد، ایلاء محسوب نمی‌شود بلکه سوء معاشرت تلقی شده و این حق را برای زوجه ایجاد می‌کند که با رجوع به دادگاه، مرد را برای مصالحه یا طلاق تحت فشار قرار دهد (نک: هاشمی شاهرودی، 1432ق: ج 623-621/3؛ نوری، 1408ق: ج 401/15).

شرط دوم: از دیدگاه علمای فریقین، بالاتفاق، مدت‌زمان قسم بر ترک آمیزش - که در زمان جاهلیت یکسال یا دو سال و یا بیشتر و گاه مادام‌العمر بود (نک: شوکانی، 1414ق: ج 267/1) - باید بیش از 4 ماه باشد تا ایلاء بر آن صدق گردد و اگر کمتر از 4 ماه باشد، ایلاء منعقد نمی‌شود و اگر 4 ماه باشد، از منظر مفسران امامیه و مفسران عامه به جز مفسران حنفی‌مذهب، ایلاء محسوب نمی‌شود بلکه سوگندی بر ترک

مباشرت است (نک: هاشمی شاهرودی، 1432ق:ج 623/3؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج 1/ 749) اما درباره اینکه مدت تربص از چه زمانی شروع می‌شود، دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ برخی ها- با استناد به ظاهر آیه- آن را از زمان سوگند خوردن مرد دانسته‌اند و برخی دیگر آن را از زمانی دانسته‌اند که زن به قاضی مراجعه کرده باشد (نک: قرطبی، 1405ق: ج 108/3)

شرط سوم: شرط دیگری که ایلاء را محقق می‌سازد این است که انگیزه ایلاء کننده باید زیان رساندن به همسر خویش باشد، و چنانچه به مصلحت زن باشد؛ مانند بیمار بودن همسر، اصلاح شیر، ترس از آبستن شدن و ... ، حکم ایلاء را ندارد (نک: نوری، 1408ق: ج 403-402/15؛ مجلسی، بی تا: 161) اما برخی دیگر از مفسرانبا استناد به عمومیت آیه، ایلاء را در اضرار زوج به زوجه منحصر ندانسته‌اند و سوگند بدون قصد اضرار را نیز ایلاء تلقی کرده‌اند (نک: جصاص، 1415ق، ج 1، ص 431). شرط دیگری که ذیل این شرط می‌تواند عنوان شود این است که ایلاء باید از روی خشم باشد (نک: حکیم، 1391:848) گرچه برخی از فقهاء این شرط را نپذیرفتند (نک: طوسی، بی تا: ج 518/4)

شرط چهارم: یکی دیگر از شرایط تحقق ایلاء، رخداد آن در وقت حلیت آمیزش با زن است. طبق دیدگاه برخی از صاحب نظران قبل از ایلاء، زوج باید با زوجه مقاربت کرده باشد. در روایتی از امیرمومنان و نیز ائمه دیگر (ع) آمده است که فرمودند: ایلاء محقق نمی‌شود مگر اینکه مرد با همسرش مقاربت کرده باشد و ایلاء بر زنی که با او آمیزش صورت نگرفته، واقع نمی‌شود (نوری، 1408ق: ج 403/15؛ ابن حیون، 1385ق:ج 273/2)¹ اما از نگاه برخی دیگر، این شرط لازم نیست و در ایلاء، مطلق

همسر- چه مدخول بها باشد چه نباشد- مراد نظر است(نک: ابن ادریس حلی،
1410ق: ج 721/2)

برای ایلاء، شروط و احکام دیگری نیز مطرح شده است اما از آنجا که بیشتر رویکرد
فقهی داشته و با رویکرد این مقاله ارتباط مستقیمی ندارد، از ذکر تفصیلی آن صرف نظر
و در لابه‌لای مباحث و مرتبط با بحث گنجانده می‌شود.

3. نگره‌ها در باب ایلاء با نظر داشت سیر تاریخی

در این بخش، با نگاهی کل‌نگر و به دور از پردازش جزئیات فقهی و با نظر داشت سیر
زمانی در اختلاف‌نگره‌های قرآن‌پژوهان در باب ابقاء یا الغاء اصل حکم ایلاء، این نگره‌ها
رادسته‌بندی نموده و به تحلیل و بررسی آن می‌پردازیم.

3-1. پذیرش مطلق حکم ایلاء

اصل حکم ایلاء مربوط به عصر جاهلیت و طلاق در آن دوران بوده که مرد با
سوگندی از روی غضب و اضرار، از مجامعت با همسرش کناره می‌گرفت و به مدت
یک سال یا دو سال و حتی بیشتر او را رها و سرگردان می‌ساخت(نک: جصاص،
1405ق: ج 2/46؛ طبری، 1412ق: ج 2/249-251؛ هواری، 1426ق:
ج 1/200؛ ابن العربی، بی تا: ج 1/177).

از نظر بیشتر مفسران، ایلای جاهلی با آیات 226 و 227 بقره تبصره زده شد و با این
اصلاحیه، ابقاء شده و تبدیل به یک حکم امضائی دائمی گردید. با توجه به این آیات،
زن حق ندارد تا 4 ماه بعد از ایلاء از مرد درخواست آمیزش جنسی نماید اما مرد می-
تواند پیش از اتمام 4 ماه، سوگند خویش را بشکند و با زن آمیزش کند. طبق دیدگاه

مشهور و با استناد به آیه «ذَلِكَ كَفْرَةٌ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ» (مائده/ 89)، در صورتی که زوج از سوگند خود بازگردد- خواه پیش از انقضای 4 ماه یا پس از آن - باید كفاره بدهد، که می‌تواند اطعام 10 مسکین یا لباس پوشاندن به آنان یا آزادسازی یک برده و اگر نتوانست سه روز روزه گرفتن باشد(مائده/ 89) با توجه به 4 ماهه بودن زمان تربص، مرد بعد از گذشت این مدت ملزم به انجام یکی از 2 کار است: 1- وجوب آمیزش جنسی (با توجه به واژه فیء) 2- طلاق. اما اینکه مدت 4 ماه از چه زمانی آغاز می‌شود، دو دیدگاه وجود دارد: 1. از زمان سوگند خوردن مرد. 2. از هنگام مراجعه زن به قاضی(نک: جوادی آملی، 1388:ج11/230). اگر شوهر تا پایان مدت 4 ماه، از سوگند خود بازنگشت - با استناد به آیه 226 بقره - حاکم اسلامی وی را میان بازگشت و طلاق دادن زوجه مخیر می‌کند (نک: محقق داماد، 1383:ج3/228) و اگر از هر دو کار خودداری کرد به نظر مشهور فقهای شیعی، با زندانی کردن و سخت گرفتن، وی را به گزینش یکی از این دو راه مجبور می‌سازد و یا حکم طلاق توسط حاکم جاری می‌شود(نک: قرطبی، 1364:ج3/73؛ طوسی، بی تا:ج4/520).

بررسی آثار تفسیری موجود -از قرن‌های نخستین تا کنون- نشان می‌دهد که اصل ایلاء- با تبصره‌ای که اسلام به آن زده است-مورد پذیرش قریب به اتفاق مفسران متقدم، متأخر و معاصر است و تنها اختلاف نظری که با یکدیگر دارند، در برخی جزئیات احکامی است؛ برای نمونه در دوران معاصر اکثر مفسران، قید «غضب مرد» را در ایلاء مطرح نکرده‌اند در حالیکه در نگاه‌های متقدم، در بسیاری از آثار ذکر شده است. با این حال، هیچ اشاره‌ای مبنی بر نسخ این حکم - خواه هرگونه نسخی باشد- در دیدگاه- های اکثریت دیده نمی‌شود(برای نمونه، نک: بلخی، 1423ق: ج1/194؛ هواری،

1426ق: ج 200/1؛ طوسی، بی تا: 232 /2؛ مکارم شیرازی، 1374: ج 2/149-150 و ...².

با وجود نکات ایجابی‌ای که در دیدگاه مشهور وجود دارد اما پذیرش این نگاه تفسیری به آیه، سوالاتی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ از جمله اینکه: آیا می‌توان پذیرفت که خداوند عادل، 4 ماه تربص را حق مسلم مرد بداند و حق جنسی زن را در این مدت نادیده انگارد؟ آیا این مسئله با خطوط کلان شرع مقدس اسلام - که در صدد احیای جایگاه زنان بوده است - سازگاری دارد که مردی با سوگندی آمیخته با غضب و اضرار (نک: هواری، 1426ق: ج 1/200؛ ابن عطیه اندلسی، 1422ق: ج 302/1؛ طباطبائی، 1417ق: ج 2/226)، زن را 4 ماه از حق غریزی خود محروم‌سازد؟ آیا نگاه داشتن عده بعد از طلاق مابعد تربص، ظلم مضاعف به زن نیست؟ سوالات مزبور و سوالات دیگری از این دست، پرسشی کلی‌تر و اساسی‌تر را پیش می‌کشد: آیا می‌توان نگاه اسلام به مسئله ایلاء را نگاهی «اصلاحی - امضائی» تلقی نمود یا اینکه باید در نحوه نگرش به آیه ایلاء رویکرد متفاوتی را در پیش گرفت؟ که در ادامه، به آن پرداخته خواهد شد.

3-2. پذیرش مشروط حکم ایلاء

طبق دیدگاه مشهور، زن بعد از رجوع به دادگاه باید 4 ماه انتظار بکشد و بعد از این مدت، اگر طلاق برای او مقرر شد باید دوران عده را نیز بگذراند اما برخی از قرآن - پژوهان معاصر - با استناد به برخی از اخبار موقوفه و مقطوعه - در پذیرش حکم ایلاء، این دیدگاه را نیز مطرح کرده‌اند که مدت 4 ماهه تربص به عنوان دوران عده برای زن باشد. سید سابق، از قرآن پژوهان معاصر اهل سنت در این باره نوشته است: برخی مانند جابر بن -

زید، ابن‌رشد و ابن‌عباس می‌گویند: «عده بر این گونه زنان لازم نیست چون این‌گونه زنان در مدت چهارماه که با آنان نزدیکی نشده است، سه بار قاعده شده و سه حیض دیده‌اند؛ بر این پایه، عده برای برائت از رحم است و چون در این چهار ماه، برائت رحم برای او حاصل شده است، عده دیگر لازم نیست (نک: سابق، 1397ق: ج 2/198). واژه «تربص» نیز می‌تواند اشارتی به این معنا داشته باشد زیرا در آیات مربوط به عده نیز از این واژه استفاده شده است: «الْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (بقره / 228) و در جای دیگر می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتُوفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره/234).

دیدگاه‌مزبور و رویکرد دیگر بسیاری از معاصران که «خشم مرد» را در ایلاء شرط ندانسته‌اند (برای نمونه، نک: مکارم شیرازی، 1374: ج 2/149؛ صادقی تهرانی، 1365: ج 4/14؛ مدرسی، 1419ق: ج 1/389 و ..)، نشان می‌دهد که محدود و ثغور حکم ایلاء در نگاه قرآن‌پژوهان معاصر نیازمند تبصره‌هایی است تا با کرامت زن هم‌راستا گردد.

3-3. نسخ تمهیدی حکم ایلاء

رویکرد دیگری که در میان برخی از قرآن‌پژوهان معاصر دیده می‌شود، تمهیدی بودن نسخ ایلاء است، که مفهوم و ادله آن را در ادامه ذکر می‌کنیم.

3-3-1. مفهوم نسخ تمهیدی:

نسخ، از جمله مفاهیم پربسامد در علوم قرآنی است که در اصطلاح مشهور خود، دارای دو رکن «ناسخ» و «منسوخ» است اما برخی از اندیشمندان معاصر با دسته‌بندی نسخ به 3 دسته «نسخ مشروط»، «نسخ تمهیدی» و «نسخ تدریجی»، از آن مفهوم مصطلح

مشهور پای را فراتر گذاشته و دریچه‌های جدیدی را به روی این مسئله باز کردند(نک: معرفت، 1383: 23؛ همو، 1390: 67)⁴. از منظر آنان، نسخ تمهیدی، مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی برای صدور یک حکمو نسخ تدریجی، ناظر به روند تدریجی نسخ یک حکم است(نک: معرفت، 1383: 23). می‌توان میان نسخ تمهیدی و تدریجی، این-همانی برقرار کرد و نیز می‌توان با تفاوتی ظریف، آنها را دو نوع جداگانه تلقی کرد زیرا در نسخ تمهیدی، مقدمه‌چینی صورت گرفته اما صدور نهایی حکم ممکن است در زمان 23 ساله نزول واقع نشده باشد؛ مانند: برده‌داری که زمینه‌سختش فراهم شد اما حکمی نهایی ابلاغ نگردید ولی در نسخ تدریجی، روند تدریجی الغای یک حکم، به صدور نهایی منتهی شده است مانند شراب‌خواری که در 4 مرحله- در عصر نزول- تحریم گردید (نک: احمدی‌نژاد، حسینی‌زاده و ابوترابی، 1397؛ رضایی اصفهانی، 1386: ج 21، 98-99)

3-3-2. ادله نسخ تمهیدی ایلاء

آنچه در این بخش عنوان می‌شود، ادله و شواهدی است که امکان نسخ تمهیدی آیه ایلاء را بیان می‌کند.

3-3-2-1. همسانی رویکرد اسلام در احکام مشابه

اسلام در قبال احکام و قوانین عصر جاهلیت، چند رویکرد را در پیش گرفت؛ رویکرد نخست: با برخی از احکام به سختی برخورد نموده و آنها را الغاء کرد؛ مانند: «ربای در معاملات» (نک: بقره / 275). رویکرد دوم: گاهی همان حکم موجود در عصر جاهلیت را تأیید کرد مانند: محرمیت مرد با مادر و خواهر رضاعی (نک: فیاضی، 1394: 110). رویکرد سوم: گاهی قانون جاهلی را با افزودن تبصره‌هایی اصلاح کرده است مانند:

ظهاری (نک: وسمقی، 1387: 25-26) یا می‌توان به اصلاح روشهای ازدواج اشاره کرد که اسلام از میان آنها، روش خواستگاری را تأیید و بقیه را مردود شمرد (نک: شهرستانی، بی‌تا: ج 2/ 246)⁵.

در واقع اسلام، زیست فردی و اجتماعی مردم را متن قرار داده و بر آن حاشیه می‌زده و هر جا می‌دیده که فلان رفتار یا معامله - با زیست درست مردم - تناسبی ندارد، آن را اصلاح می‌کرده است (گیلانی و میرزای قمی، 1413ق: ج 2/ 368) اما گاهی بستر و محیط اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای بود که امکان اصلاح احکام در بازه زمانی کوتاه - مدت وجود نداشت بلکه می‌بایست بستر لازم فراهم شود تا تعلقات محیطی و قبیله‌ای و ارزشی کم‌رنگ‌تر شده و امکان تغییر و اصلاح فراهم آید، چرا که هدف اسلام هدایت مردم بوده و هدایت‌گری فرآیندی مدت‌دار و گام‌به‌گام است مخصوصاً در مسائلی که جزء چالش‌های عصر جاهلیت محسوب می‌شده که مهم‌ترین آنها مسائل مربوط به حقوق زنان و حقوق بشر بوده است. از جمله این مسائل، برده‌داری است که در صدر اسلام تمام دنیا را فراگرفته بود و شرایط به گونه‌ای نبود که این بیماری یک‌باره از جامعه بشری برطرف گردد. از این رو، اسلام با سیاست گام‌به‌گام خود با این بیماری مبارزه و آن را از جامعه اسلامی حذف نمود. بدین صورت که در گام نخست، راه‌های برده‌گیری را به میدان جنگ محدود کرد و زنان و کودکان و سالمندان را از این مسئله خارج نمود. در گام دوم، راه‌های آزادی بردگان را باز کرد و برای کفاره برخی گناهان و برای رسیدن به ثواب، آزاد کردن بردگان را تشویق کرد. حقوق زنان نیز در زمره همین مسئله قرار می‌گیرد تا اسلام بتواند گام‌به‌گام و با سیری تمهیدی و برخوردی محتاطانه با فرهنگ‌های بنیادگرفته از جهلی درازدامن، شخصیت از دست‌رفته آنان در عصر

جاهلیت را احیاء سازد(نک: معرفت، 1423ق:149-150؛ همو، 1388: ج7، 171-175)

اسلام در برخورد با ایلاء، ابتدا بدون هیچ اظهارنظری، رویکردی نادیده‌انگارانه در پیش گرفتاما در سال چهارم هجری که آیات 226 تا 227 بقره نازل گردید، با در نظر گرفتن انتظار 4 ماهه، از شدت اینحکم ظالمانه‌جاهلی کاست. در چنین وضعیتی که اسلام- به خاطر فراهم شدن زمینه اصلاح- 17 سال با این حکم جاهلی کنار آمده بود، با لحنی ملایم و تربیتی و هدایتی و با ذکر صفات رحیم و غفور، اولین تبصره را مطرح کرده و می‌فرماید: «لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»(بقره/ 226). با عنایت به این اسما و توجه بهارتباط اسما الهی پایان آیه با مضمون آیه، خداوند از روی رحمت و غفران، بازگشت مولی از این سوگند ظلم‌آمیز را مورد آموزش قرار داده(نک: طبری کیهراسی، 1405ق: ج147/1) و با در پیش- گرفتن روشی نرم، این عادت ظالمانه‌ای که در بین مردان بوده را تقلیل داده و زمینه را فراهم سازد تا این ظلم جهل‌آمیز مردان به زنان به تدریج برچیده شود.⁷

3-3-2-2-2. ناسازی ایلاء با کرامت و نیاز جنسی زن

آنچه در این بخش به آن پرداخته می‌شود، ذکر شواهد قرآنی و روایی‌ای است که دائمی بودن حکم ایلاء را با سؤالاتی مواجه می‌سازد.

3-3-2-2-1. تحلیل قرآن بنیان:

در رابطه با حق جنسی زن، اختلاف دیدگاه‌های زیادی در میان صاحب‌نظران دیده می‌شود. فقهاء معمولاً رابطه جنسی را حق زن ندانسته و آن را حق مرد دانسته‌اند تا جایی که طبق فتوای برخی از فقیهان، اگر مرد 4 ماه از خانه بیرون باشد ولی هزینه زندگی

زن را بپردازد، زن حق طلاق ندارد اما این دیدگاه را نمی‌توان پذیرفت زیرا ازدواج برای حفظ عفت زن و مرد به طور یکسان به وجود آمده است و نپذیرفتن حق جنسی زن، ازدواج را به جای آنکه مایه حفظ عفت و پاک‌دامنی زن سازد، سبب انحراف او می‌گرداند و علت آن هم این است که زن نیز در ازدواج همان تمایلات جنسی مرد و شاید بیشتر از وی را دارد (نک: ابن بابویه، 1413ق: ج 3/ 551؛ کلینی، 1407ق: ج 5/ 338) و بعد از ازدواج، این تمایلات که بیشتر پنهان بودند، بیدارتر می‌شوند و بیشتر نیازمند ارضاء می‌گردند (نک: فضل الله، 1389: 113)

در مصحف شریف، آیاتی چند وجود دارد که می‌تواند در این باره مورد استناد قرار گیرد. از جمله این آیات، آیه «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/ 228) است. این آیه گرچه در سیاق آیات طلاق قرار گرفته اما اختصاصی به امر طلاق ندارد و دارای اطلاق است (نک: مکارم شیرازی، 1374: ج 2/ 156) و بر اساس آن، هر حقی که مرد بر زن دارد، زن نیز بر مرد دارد به جز: 1) حق انفاق؛ زیرا زن نباید هزینه زندگی خود و همسرش را بپردازد. 2) حق طلاق. بنابراین مانند همان وظایفی که بر عهده زنان است، به طور شایسته، به نفع زنان بر عهده مردان نیز است. بنابراین، آیه مزبور همه حقوق را دربر می‌گیرد (فضل الله، 1389: 109؛ صادقی تهرانی، 1388: ج 1/ 383).

از جمله آیات دیگر، آیه «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/ 19) است. این آیه با تقدم بخشیدن حقوق زنان بر مردان توجه ویژه‌ای به این حقوق داشته و به آن تأکید داشته و ورزیده است و این تأکید صرفاً از باب مسائل اخلاقی نیست بلکه از حیث اجراء و عمل به آن اهتمام ویژه‌ای شده است. سپس بیان می‌کند که حقوق زن و شوهر برابر است و

ملاک عرف را نیز ملاک معقول و قابل قبول می‌شمارد. «بالمعروف»، از کلمات پرمعنا و دارای فواید فراوان است و مقصود هر چیزی است که به حسن معاشرت و ترک زیان رساندن باز می‌گردد. در تفسیر تبیان ذیل آیه مزبور آمده است: «حقی که زنان در حسن معاشرت بر شوهران دارند مانند حق اطاعت از شوهران بر زنان است» (طوسی، بی تا: ج 2 / 241). به عبارت دیگر، همان‌گونه که بر زن واجب است که در ادای حقوق مشروع مرد از او اطاعت کند، بر مرد نیز واجب است که در ادای حقوق زن از او اطاعت نماید.

«معروف» در این آیه شریفه، چیزی است که نزد مردم پسندیده باشد؛ یعنی، معروف عرفی، مقصود است نه معروف تشریحی (نک: طباطبائی، 1374: ج 4، 404-405). بنابراین نمی‌توان گفت که احکام شرعی، معروف بودن رابطه زناشویی را معین می‌سازد. بلکه باید گفت که این آیه به معنای عرفی‌اش، حاکم بر این احکام و یا به دلیل معارضه این احکام با راهبردهای کلان شریعت و مخالفتشان با خط کلی قرآن، معارضه با این احکام است. حق جنسی، عنصری حیاتی در زندگی زناشویی است و زندگی زناشویی در شکل کلی‌اش مبتنی بر آن است و در نگاهی عمیق بدان قوام می‌یابد و بسیاری از مردم بر اساس نیاز جنسی، رغبت به ازدواج می‌کنند. (نک: فضل الله، 1392: 310-312)

از مجموع نظر مفسران در ذیل این آیه به دست می‌آید که آیه مزبور بر همه زوایای زندگی مشترک نظر دارد. بدیهی است که یکی از مصادیق مهم و انکارناپذیر حسن معاشرت در زندگی مشترک، توجه به خواسته‌ها و نیازهای زن است که یکی از آنها نیاز جنسی است؛ فضل الله در تبیینی دیگر چنین می‌گوید: «ما در حکم "اختصاص حق

جنسی زن به چهار ماه " با فقها اختلاف نظر داریم، چرا که ما حق جنسی زن را نزدیک به حق جنسی مرد می‌دانیم؛ پس همانطور که در هنگام تمایل مرد تمکین زن واجب است، تمکین مرد هنگام تمایل زن نیز واجب است. و این از آیه‌ای که خداوند تعالی در قرآن در این باب آورده به دست می‌آید و آن، آیه کریمه «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» است که از آن، پارامتر تساوی حقوق زن و مرد در همه موارد ممکن الوجودی استفاده می‌شود مگر حقوقی که با ادله ایجابی و سلبی خارج شود؛ مانند: طلاق و قیمومت. همان‌گونه که ازدواج برای تحصین مرد تشریح و ایجاب شده، برای تحصین زن نیز قرار داده شده است؛ در غیر این صورت، چگونه غرض از ازدواج که تحصین حقوقی است درباره زن حاصل می‌شود؟! ما از این جدال فقهی درباره این مسئله که آیا در هر چهار ماه مسمای مقاربت کفایت می‌کند یا نه، تعجب می‌کنیم! اگر قایل به کفایت مسمی صرف باشیم دیگر برای زن چه فایده‌ای در امر ازدواج حاصل خواهد شد و تبیین‌کننده صفت حقیقی بالمعروف می‌باشد؟ و در غیر تحقیق ایجابی به نوعی تمرد دینی کرده‌ایم و این یک بزه حقیقی خواهد بود.» (فضل الله، 1419ق: ج 281/4)

قرآن دستور می‌دهد که مبادا زن را سرگشته و بلا تکلیف نگه دارید (نساء / 129). این دستور مختص تعامل مرد با همسرش در صورت تعدد زوجات نیست بلکه عنوان مستقلی است که در هر جا انطباق یافت، طبع مردم آن را ناخوش می‌دارد. علاوه بر این، این احکام با قاعده نفی حرج منافات دارد. برخی فقهاء معتقدند که حرج ناشی از حکم نیست و ناشی از واقعیت است اما در واقع چنین نیست زیرا حکم به مشروعیت امتناع شوهر از اشباع نیاز جنسی همسرش، اساساً دشواری‌زاست در حالیکه در لسان قرآن آمده است که: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره / 185) (نک: فضل

الله، 1392: 310-312). این آیه با اینکه در سیاق آیات مربوط به روزه قرار گرفته اما در حقیقت به تمام احکام ناظر است (نک: مغنیه، 1378: ج 1/ 505).

شاهد دیگر، آیه 129 سوره نساء است که چنین می‌فرماید: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ»⁸. طبق این آیه شریفه، امکان برقراری عدالت میان زنان وجود ندارد و بنابر اطلاق آیه، یکی از مصادیق عدالت، عدالت جنسی است. خداوند در اینجا به مخاطبان هشدار می‌دهد که مبادا زن را «معلقه» کنید؛ معلقه، به زنی می‌گویند که بلا تکلیف باشد به گونه‌ای که معلوم نیست شوهر دارد یا بیوه است (لا ایم و لا ذات بعل). (عروسی حویزی، 1415ق: ج 1/ 557). چنین برخوردی با زن، مورد نهی آیه قرار گرفته است در حالیکه در ایلاء نیز زن بلا تکلیف بوده و تعبیر «لا ایم و لا ذات بعل» نیز در تعریف ایلاء لحاظ شده است.

علاوه بر آیات مزبور، سیر تکاملی تشریح در قرآن نیز در رابطه را احیاء کرامت زن‌باید مورد توجه قرار بگیرد. طبق نظر بسیاری از مفسران، یکی از عوامل محقق در ایلاء، غضب و اضرار مرد است (نک: جصاص، 1405ق: ج 2/ 44؛ هواری، 1426ق: ج 1/ 200؛ طبری، 1405ق: ج 2/ 249-251؛ ابن عطیه اندلسی، 1422ق: ج 1/ 302 و...)؛ که علت این خشم، یا مخالفتی از سوی زن بوده است؛ که می‌تواند در مسئله تمکین جنسی (نشوز) یا غیر آن باشد یا اینکه خوی قهرآمیز مرد و یا کراهت پدید آمده از زن، سبب بروز این خشم و در نتیجه، ایلاء شده است.

طبق برخی از نگره‌ها، سوره بقره در جایگاه تنزیلی 87 قرار دارد که بعد از آن - در موضوعات مرتبط - سوره‌های ذیل قرار گرفته‌اند: سوره ممتحنه (91)؛ سوره نساء (92)؛

سوره حج (104)؛ سوره مجادله (106) (نک: بهجت پور، 1394: 30). از منظر برخی دیگر از محققان نیز سیر این نزول چنین است: سوره بقره (90)؛ سوره حج (99)؛ سوره نساء (104)؛ سوره مجادله (111)؛ سوره ممتحنه (112) (نک: معرفت، 1381: 91). با توجه به ترتیب تنزیلی، سوره بقره قبل از سوره ممتحنه، نساء و حج نازل شده است. با نظر داشت این ترتیب، اگر عامل خشم، نشوز زن باشد، طبق آیه 34 سوره نساء مراحل درمانی آن چنین است: 1- فَعِظُوهُنَّ؛ 2- اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ؛ 3- اضْرِبُوهُنَّ. طبق این قاعده، اولین تصمیم، ملاحظت با زن و وعظ وی است؛ یعنی مرد باید با نرم‌خویی و حوصله، زن را از نشوز منصرف و یا عوامل نشوز زن را برطرف نماید. مرحله بعدی، دور خوابیدن از یکدیگر در بستر است؛ یعنی اگر ملاحظت و دلسوزی پاسخگو نشد، بی‌اعتنایی به زن مطرح استتا وقتی که از نشوز دست بردارد. ملاک عمل در نشوز زن، رعایت حدود الهی استو هر جا زن، دست از نشوز برداشت نباید مورد بی‌مهری قرار گیرد: «فَإِنْ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» (نساء / 34). در مرحله سوم، مسئله ضرب مطرح است؛ ضربی که از سر دلسوزی، بسیار خفیف و برای هشدار به زن و نه از سر کینه و با شدت باشد. (نک: طباطبائی، 1374: ج 4، 555) و در صورت حل نشدن مسأله، در گام بعدی خداوند همچنان مرد را مسئول پیگیری امور خانواده قرار داده است و برپایی دادگاهی خانوادگی و آبرومند را مطرح می‌کند و در گام نهایی، مسئله طلاق را پیش می‌کشد (نک: نساء / 35) اما هیچ‌گاه به مرد این دستور را نمی‌دهد که مدتی طولانی - شبیه آنچه در ایلاء است - زوجه را رها و سرگردان سازد. و اگر خشم ایلایی، به خاطر کراهت مرد از زن باشد، می‌توان به آیه 19 سوره نساء استناد کرد که: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» و با پیوند آن به آیه بعدی که می‌فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ آتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا

تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» (نساء / 20)، به توضیح می‌توان این ندای خداوند حکیم را شنید که: اگر نتوانستی خیر خداوند را در زنی که از او کراهت داری ببینی، طلاق را برگزین و مهریه را تمام و کمال به او بپرداز!

گاهی نیز خشم افراد، از روی خلق و خوی غلط و عادت استبدادی ناشی می‌شود. بر این اساس، اگر غضب بی‌دلیل دستاویز بهانه‌جویی و سبب ایلاء گردد، اقتدا به شیطان و ظلمی بی‌پرده و آشکاراست، که به فرموده خداوند غیرقابل پذیرش است: «أَنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهیم/22)؛ «اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران/57). اما اگر به جز خشم و کراهت، ایلاء عامل دیگری داشته باشد؛ مانند: تصرف اموال زن، تولد دختران بسیار توسط زن؛ تنزل دادن زن از مقام زوجیت و ... همه اینها از مصادیق بارز ظلم محسوب می‌شود و هیچ تردیدی نیست که خداوند عادل-که یکی از اهداف آخرین شریعتش، احیاء شخصیت از دست‌رفته زنان در محیط عربستان بود- ایلاء برخاسته از عوامل مزبور را -حتی به مدت 4 ماه- نمی‌پذیرد (نک: دروزه، 1383ق:ج6، 408-411).

3-2-2-2-3. تحلیل روایت محور:

مسئله حقوق از جمله مسائلی است که از زمانهای بسیار دور مورد توجه اسلام و پیشوایان دین بوده است چنانکه رساله حقوق از جمله کهن‌ترین نگاشته‌هایی است که از امام سجاد (ع) باقی مانده و یکی از حقوقی که در این کتاب مورد توجه ایشان بوده، حق و نیاز جنسی زوجه بوده است که فرموده است: «قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا» (ابن شعبه حرانی، 1404ق: 262). زن از نظر غریزه جنسی بر شوهر حق دارد و این حق باید تمام و کمال عمل شود و اگر مرد بتواند و سستی کند، ظلم نموده و

حق او را ادا نکرده است، که در این باره روایات زیادی وجود دارد (نک: مظاهری، 1389: ج 349/1).

بنابر آموزه‌های روایی؛ شوهر در قبال تأمین نیاز جنسی زنمسئولیت دارد، چنانکه می‌توان به روایات بسیاری مانند قضیه مربوط به عثمان بن معظون و دیگران اشاره نمود که مورد غضب پیامبر اکرم (ص) واقع می‌شود (نک: کلینی، 1407ق: ج 5/494). این موارد از برآوردن نیاز جنسی زن به عنوان حق زن بر مرد یاد شده است (نک: پسندیده، 1391: 201)

در فقه اهل سنت نیز - با استناد به روایات - به مسئله ارضاء جنسی زن از جانب مرد توجه شده است؛ از جمله این که مالکیه، نکاح و عقد را تملیک انتفاع جنسی مرد از زن می‌داند اما پاسخ دادن به نیازهای جنسی زن را برای مرد در صورتی که عذری نداشته باشد واجب می‌داند (نک: جزایری، 1406ق: 2). احمد بن حنبل همانند مالک، استمتاع را علاوه بر مرد حق زن هم می‌داند. (ابن قدامه، 1421ق: ج 7/23). همچنین واقعه‌ای منقول از عمر بن خطاب وجود دارد که زنی از دوری همسرش شعر می‌خواند و عُمَر دلیل ترک آن زن از سوی شوهرش را خواست؛ به او پاسخ دادند که شوهر او سرباز است و پس از آن فرمان داد که به سربازها مرخصی دهند تا به خانه خود بروند (متقی هندی، ج 16/452-573)

تشریح ازدواج، برای حفظ عفت زن و مرد به طور یکسان است و روایتهای زیادی این مطلب را تأکید می‌کند. از جمله اینکه مستحب است زن در آغاز جوانی ازدواج کند. روایات متعددی وجود دارد که ازدواج را وسیله‌ای معرفی می‌کند که از راه تأمین و اشباع غریزه جنسی، زن و مرد را از انحرافات مصون داشته و به آنها عفت می‌دهد. در

برخی از گزاره‌های روایی - که پیشتر ذکر گردید - آمده است که شهوت زن از شهوت مرد بیشتر است. با این وجود، چگونه می‌توان پذیرفت که زن بیش از 4 ماه انتظار بکشد و نیاز جنسی‌اش را نادیده بگیرد؟ در روایتی آمده است که اگر مردی با زنان متعدد ازدواج کند و با آنان آمیزش نداشته باشد و یکی از آنان مرتکب زنا شود، گناهش بر گردن آن مرد است (فضل الله، 1392: 310-312).

با وجود روایات متعددی که بر حق و نیاز جنسی زن تاکید داشته، از آنجا که بسیاری از روایات مربوط به ایلاء در شرائطی نزدیک به شرائط زمان نزول صدور یافته است، مسئله ایلاء را به همان نحو صدور یافته مورد توجه قرار داده‌اند و در همان محدوده سخن گفته‌اند؛ که البته با چارچوب و نگاه کلان بسیاری از روایات و آیات دیگر - چنانکه اشاره شد - همخوانی ندارد.

3-2-3-3. عدم تبصره به عوامل ایلاء

یکی دیگر از دلایلی که می‌تواند فرضیه تمهیدی بودن نسخ ایلاء را تقویت کند، نوع تبصره‌ای است که خداوند به این حکم زده است. در ایلاء، دو مسئله بسیار اهمیت دارد؛ یک مسئله، مدت زمان ایلاء و مسئله دیگر، عامل ایلاء است. در قرآن مجید، تنها مدت زمان ایلاء مورد تبصره واقع شده و از مدتی نامعلوم، به 4 ماه تقلیل داده شده است اما درباره عوامل ایلاء - که پیشتر به آن اشاره شد - هیچ سخنی گفته نشده است. مردمان عرب - به‌ویژه در عصر جاهلیت - انسانهایی هیجانی و احساسی بودند که بسیار سریع برانگیخته می‌شدند که بررسی تاریخ زندگی خانوادگی، اجتماعی، جنگ‌های بین قبائل و ... این واقعیت را تأیید می‌کند. (نک: وسمقی، 1388: 43).

عوامل ایلاء، هر چه باشد، ناظر به جایگاه متزلزل و متنزل زن در عصر جاهلیت و ظلم بی‌حد و حصر مرد به اوست، که دین اسلام همت خود را مصروف داشت تا این نگاه تحقیرآمیز به زن را از میان بردارد. اگر بنای اسلام بر این بود که حکم ایلاء را ابقاء نموده و پرونده آن را در عصر رسالت مختومه سازد، به عوامل ظلم‌آمیز حکم نیز تبصره می‌زد و تنها به تقلیل زمانی بسنده نمی‌کرد. فرضیه ابقای این حکم با عوامل مزبور، سکوت ضمنی خداوند بر تأیید آن است در حالیکه تردیدی در ظلم‌آمیز بودن این مسئله وجود ندارد که برای مثال، مردی از روی فوران احساسات و غضب مقطعی - حتی به مدت 4 ماه - همسرش را از حق جنسی خود محروم ساخته و نیز مانع ازدواج او با دیگران شود. این مسئله با خطوط کلان آیات قرآن و صفات الهی و رویکرد اسلام در قبال زن و تلاش برای ترفیع مکانت او سازگاری ندارد اما چنانکه گفته شد، اسلام در طول 10 سال نمی‌توانست با تمام قوانین و سنت‌های کهن و ریشه‌دار مردم مبارزه نموده و همه آنها را به یکباره برچیند. بر این اساس، باید این تبصره را نخستین تبصره و تمهیدی برای کنارگذاشتن حکم ایلاء در ادوار بعدی تلقی نمود.

ممکن است این اشکال مطرح گردد که برخی از احکام شبیه دیگر مانند ظهار نیز در عصر جاهلیت وجود داشته که - برخلاف ایلاء - مورد ابطال و تحریم قرآن قرار گرفته است. برای پاسخ به این سوال باید گفت: درباره ظهار - که در آیات آغازین سوره مجادله به آن پرداخته شده است - سبب نزول خاص و معتبری وجود دارد که سبب حرمت دفعی آن در دوران مدنی شد. بدین توضیح که بعد از ظهور اسلام یکی از مسلمانان مدینه، همسر خود را ظهار کرد اما بعد از مدتی از کار خود پشیمان شد. همسرش نزد رسول خدا (ص) رفته و جریان را عرضه داشت و راه چاره‌ای خواست تا دوباره شوهرش به او برگردد و سر این مسئله، با حضرت مجادله می‌کرد و به درگاه

خدا شکوه می‌نمود. در اینجا بود که آیات شریفه مورد بحث نازل گردید(نک: طباطبائی، 1374:ج19/312) اما در ایلاء چنین چیزی مطرح نشده است. علاوه بر این، در آیات ظهار- با توجه به جایگاه مردان در صدر اسلام- حل مسئله به نوعی به نفع مرد صادر شده است و نیز مجادله آن زن سبب گردیده که چنین حکمی صادر گردیده و مساله حل شود(نک: مجادله / 1-4). به علاوه چنانکه در ترتیب نزول ذکر شد، آیات ظهار بعد از آیات ایلاء نزول یافت و محدود کردن ایلاء می‌تواند مقدمه‌ای برای تحریم ظهار نیز در نظر گرفته شود.

4. نتیجه‌گیری

بررسی نگره‌های قرآن‌پژوهان از سده‌های نخستین تا کنون نشان می‌دهد که در دوران متقدم و متأخر، حکم ایلاء- با همه قیودی که دارد- مورد پذیرش بوده است اما در دوران معاصر، دو رویکرد دیگر نیز رخ‌نمایی می‌کند؛ رویکرد نخست، با پذیرش ایلاء و ضیق نمودن حدود و ثغور آن، قائل به همسانی دوران تربص و عدّه است و از عوامل ایلاء نیز، غضب مرد را نمی‌پذیرد. رویکرد دوم، مبتنی بر نسخ تمهیدی حکم ایلاء است و بر پایه ادله ذیل، آن را حکمی موقتی و محیط‌محور تلقی می‌کند: 1- اسلام در مواجهه و مبارزه با فرهنگ‌های عریق و نادرست جاهلی، رویکردی دفاعی و تهاجمی نداشته بلکه با برخوردی تدریجی، گام‌به‌گام و حکیمانه سعی در اصلاح آنها داشته اما با توجه به بازه زمانی 23 ساله رسالت، امکان اصلاح برخی از فرهنگ‌ها مانند برده‌داری، برخی از مسائل مربوط به حقوق زنان و.. در مدت مزبور مهیا نگشت. 2- حکم ایلاء، با کرامت و حق جنسی زن تنافی دارد و این تنافی را می‌توان از گزاره‌ها و آموزه‌های قرآنی- روایی متعددی برداشت نمود. 3- اسلام، به عواملِ ظلم‌آمیزِ ایلاء تبصره‌ای نزده

بلکه تنها مدت زمان آن را تقلیل داده، که این مسئله نیز نشانگر عدم جاودانگی حکم مزبور است.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن مجید (1383). مترجم: حسین انصاریان، تهران: اسوه.

1. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (1410ق)، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين
2. ابن بابويه، محمد بن علی (1413ق). من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
3. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (1404ق). *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین
4. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (1422ق). *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*، بیروت: دار الکتب العلمیه
5. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (1421ق). *المقنع في فقه الامام احمد بن حنبل الشيباني*، جده: مكتبة السوادي.
6. ابن العربي، محمد بن عبدالله (بی تا). *احکام القرآن*، بیروت: دار الجیل.
7. ایبیری، ابراهیم (1405ق). *الموسوعه القرآنیه*، قاهره: موسسه سجل العرب.
8. احسانی، کیوان، طیبی، علیرضا و مرتضوی، سید ابراهیم (1398). *نقد نظریه نسخ عقلی از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث*، نشریه کتاب قیم، دوره 9، شماره 21، ص 63-83

9. احمدی نژاد، حسینی زاده و ابوترابی (1397). معاشناسی نسخ تدریجی، مشروط و تمهیدی از منظر آیت الله معرفت، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره 15، شماره 1، ص 7-23
10. بروجردی، حسین (1386). منابع فقه شیعه، تهران: فرهنگ سبز.
11. بلخی، مقاتل بن سلیمان (1423ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث
12. جزیری، عبدالرحمن (1406ق). الفقه علی المذاهب الاربعه، (نسخه دیجیتالی).
13. جصاص، احمد بن علی (1405ق). احکام القرآن، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه.
14. بهجت پور، عبدالکریم (1394). شناختنامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، قم: تمهید.
15. پسندیده، عباس (1391). رضایت زناشویی، قم: دار الحدیث
16. جوادی آملی، عبدالله (1388). تفسیر تسنیم، قم: اسراء
17. حکیم، محمد سعید طباطبائی (1391). توضیح المسائل، قم، مهر ثامن الائمه.
18. دامن پاک مقدم، ناهید (1380). بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ.
19. دروزه، محمد عزت (1383). التفسیر الحدیث، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
20. رضایی اصفهانی، محمد علی (1386). روشها و گرایش های تفسیری، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
21. زمخشری، محمود بن عمر (1407ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربیه.

22. سابق، سید (1397ق) *فقه السنه*، بیروت - لبنان: دار الكتاب العربی.
23. شهابی، محمود (14117ق)، *ادوار فقه*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.
24. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا)، *الملل و النحل*، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت - لبنان: دار المعرفه.
25. شوکانی، محمد بن علی (1414ق) *فتح القدير*، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر - دار الکلم الطیب.
26. صادقی تهرانی، محمد (1388). *ترجمان فرقان*، قم: شکرانه
27. ----- (1365). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی
28. طباطبائی، سید محمد حسین (1374)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
29. ----- (1417ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
30. طبری کیهراسی، علی بن محمد (1405ق)، *احکام القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
31. طبرسی، فضل بن حسن (1372)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
32. طریحی، فخرالدین (1375)، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.
33. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *الخلاف*، قم: موسسه النشر الاسلامی

- 34.....(بی تا)التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- 35.عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه(1415ق). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
- 36.فضل الله، محمد حسین(1389)دنیای زن، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی
- 37.....(1392).دشواره های فهم اجتهادی شریعت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- 38.....(1419ق)من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- 39.فیاضی، مسعود(1394)ماهیت احکام امضائی، مطالعات اسلامی، فقه و اصول، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی 102، ص 12-45
- 40.فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی(1406ق)الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین(ع).
- 41.قرطبی، محمد بن احمد(1405ق)الجامع لاحکام القرآن، تفسیر قرطبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- 42.کلینی، محمد بن یعقوب(1407ق)الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- 43.گیلانی و میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن(1413ق)جامع الاشتات فی اجوبه السؤالات، تهران: موسسه کیهان
- 44.متقی هندی، علی بن حسام الدین(بی تا).کنز العمال،بیروت: دار الکتب العلمیه.

45. مجلسی، محمد تقی (بی تا). یک دوره فقه کامل فارسی، تهران، فراهانی.
46. محقق داماد، مصطفی (1383) قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
47. مدرسی، سید محمد تقی (1419ق). من هدی القرآن، تهران: دار محبب
الحسین.
48. مظاهری، حسین (1389). اخلاق در خانه، قم: اخلاق.
49. معرفت، محمد هادی (1423ق) شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم:
موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
50. (1388) التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه فرهنگی
انتشارات التمهید.
51. ----- (1390). قرآن و فرهنگ زمانه، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی
التمهید.
52. (1381) علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
53. مغنیه، محمد جواد (1378). الکاشف، مترجم: موسی دانش، قم: بوستان کتاب.
54. مکارم شیرازی، ناصر (1374). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامی.
55. هواری، هود بن محکم (1426ق). تفسیر کتاب الله العزیز، الجزائر: دار
البصائر.
56. وسمقی، صدیقه (1387). زن، فقه، اسلام، تهران: صمدیه.
57. (1388). بضاعت فقه و گستره نفوذ فقهاء، بی جا: بی نا.

1. در این باره روایات زیادی نیز وارد شده است (نک: بروجردی، 1386: ج 777/27-778)

2. آثار مختلف به ترتیب زمانی بررسی شد اما هیچ دیدگاه متفاوتی -در سده‌های مختلف- متقدم و متأخر - در باب ابقاء یا الغاء اصل حکم ایلاء یافت نشد.

3. در رابطه با غریزه جنسی زن، در روایتی آمده است: «فُضِّلَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى الرَّجُلِ بِتِسْعَةٍ وَ تِسْعِينَ مِنَ اللَّذَّةِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَلْفَى عَلَيْهَا الْحَيَاءَ» (ابن بابویه، 1413ق: ج 3/ 551). و در روایت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ فَإِذَا هَاجَتْ كَانَتْ لَهَا قُوَّةُ شَهْوَةِ عَشْرَةِ رِجَالٍ» (کلینی، 1407ق: ج 5/ 338)

4. «نسخ عقلی و عقلائی» و «نسخ وارونه» از جمله اقسام دیگری است که توسط نواندیشان دینی مطرح شده است که به خاطر ضعف ادله قابل پذیرش نیستند (نک: احسانی، طیبی و مرتضوی، 1398).

5. برای موارد دیگر، نک: شهرستانی، بی تا: ج 2/ 249

6. سعید بن مسیب گفته است: «ایلاء، من ضرار اهل الجاهلیة بود چون مرد، زنی داشتی که با او خوشش نبودی و نخواستی که شوهر دیگر کند سوگند خوردی که با او نزدیکی نکند او را رها کردندی نه بیوه بودی و نه شوهر دار. این چنین می‌کردند در جاهلیت و اسلام...» (شهابی، محمود، 1417ق: ج 1/ 313).

7. برخی از محققان، رویکرد اسلام در قبال ایلاء را اصلاحی تدریجی ندانسته بلکه آن را ابطالی و الغائی دانسته اند (نک: دامن پاک مقدم، 1380: 138) گرچه هر دوی این دیدگاهها به یک نتیجه منتج می‌شود.

8. و شما هر چند حریص [بر عدالت] باشید، هرگز نمی‌توانید [از نظر علاقه و میل قلبی] میان زنها [یی که در عقد خود دارید] عدالت ورزید، پس تمایل خود را به طور کامل متوجه یک طرف ننمایید تا دیگری را به صورت زنی سرگردان و بلا تکلیف رها کنید.